واکنش پنجم

سعیده خدابخش

ساخت فیلم‌های کمدی در گفت‌وگو با تهیه‌کنندگان

بازگشت سریع سرمایه

سینمای ایران مدتی است که به سمت فیلم‌های کمدی سوق داده شده است. اکثر فیلم‌های روی پرده کمدی‌های ضعیف و دم‌دستی هستند که کارگردانان و تهیه‌کنندگان به بهانه ذائقه مخاطبان به ساخت آنها دامن می‌زنند. این فیلم‌ها در زمان کوتاه و با هزینه‌های کم ساخته می‌شوند و به راحتی به صرف طنز بودن نظر سینمادار را برای اکران جلب می‌کنند. ما در این گزارش سعی کردیم آسیب‌شناسی کنیم که ساخت این فیلم‌ها در سطح گسترده به ذائقه مخاطبان و شرایط اجتماعی موجود برمی‌گردد یا در سطح کلان برای ساخت این فیلم‌ها برنامه‌ریزی شده است.

داریوش بابابیان تهیه‌کننده در این باره می‌گوید: یک سال و نیم است که منتقدان علیه سینمای کمدی گارد گرفته‌اند، در حالی که به نظر من نمی‌توان در هیچ سینمای کمدی‌ای ژانرهای گوناگون را نادیده گرفت.

او ادامه داد: همان طور که سینما در ژانر دفاع مقدس، کودک و نوجوان، پلیسی، خانوادگی و اجتماعی باید وجود داشته باشد، باید کمدی هم داشته باشد.

بابابیان معتقد است به دلیل اینکه فیلم‌های کمدی در گیشه می‌توانند موفق عمل کنند سینماهای «تک‌سالن» بیشتر دوست دارند این فیلم‌ها را اکران کنند.

این تهیه‌کننده افزود: اگر قرار باشد سینماهای تک‌سالنه فیلم‌هایی مانند «دیگری» و «عصر روز دهم» را اکران کنند به کلی نابود می‌شوند، زیرا قشر سینمارو در سینماهای تک‌سالنه از طبقه عامی جامعه هستند.

تهیه‌کننده «همیشه پای یک زن در میان است» پردیس‌های سینمایی را محل مناسبی برای اکران فیلم‌هایی می‌داند که قشر خاص جامعه نیز می‌توانند در آن به تماشای فیلم مورد علاقه‌شان بنشینند.

او ادامه داد: این روزها ذائقه مردم به سویی می‌رود که دیگر کارگردانان به طور صرف به سمت کمدی نروند و سعی کنند ضمن اینکه فیلم‌شان سینمای خانوادگی است درونمایه‌هایی از طنز هم داشته باشد.

داریوش بابابیان که در کارنامه کاری‌اش کارهایی همچون افراطی‌ها را دارد برخی از طنزهای موجود را کپی‌برداری دانست و گفت: متاسفانه برخی از فیلم‌های کمدی‌ای که این روزها ساخته می‌شود کپی‌برداری است و بسیار ضعیف پرداخت می‌شود و برخی از دفاتر فیلمسازی هستند که صرفاً کار طنز می‌سازند. من با این روش کاملاً مخالف هستم. خود من به سینمای کودک و نوجوان علاقه دارم و به واسطه تهیه فیلم‌های طنز دوست دارم به علایقم هم برسم.

علی سرتیپی نیز دلیل ازدیاد فیلم‌های کمدی را ذائقه مخاطبان دانست و گفت: شرایط اجتماعی امروز مردم را به سینمای کمدی علاقه‌مند کرده است و به نظر من اگر مردم از فیلم‌های کمدی استقبال نکنند تهیه‌کنندگان هرگز چنین فیلم‌هایی نمی‌سازند.

رئیس فیلمیران گفت: اوایل دهه ۷۰ مخاطبان و سینماروها به سینمای اکشن علاقه‌مند بودند و به همین خاطر این نوع فیلم‌ها خیلی ساخته می‌شد اما امروزه فیلم‌های کمدی مورد استقبال مردم است و تهیه‌کنندگان به دلیل اینکه بازگشت سرمایه برایشان بسیار حائز اهمیت است باید فیلم‌هایی تولید کنند که مخاطب به آن پاسخ مثبت دهد.

سرتیپی ادامه داد: به نظر من امروزه نیز سلیقه و ذائقه مردم در حال تغییر است و دوباره شرایطی به وجود آمده که مردم علاقه‌مندی خود به فیلم‌های سیاسی - اجتماعی را نشان داده‌اند. خوشبختانه شعور مخاطب بالا رفته است و تماشاگران دوست دارند فیلم‌های متفاوتی ببینند، ولی در این راستا فقط تهیه‌کنندگان نیستند که باید کاری انجام دهند بلکه دولت و مطبوعات باید تلاش کنند این فضا به نحو احسن برای سینماگرها مهیا شود.

خیلی دور خیلی نزدیک

حاشیه‌های یک کارگردان

مسائل اجتماعی با لایه طنز

ابراهیم وحیدزاده کارگردان متولد ۱۳۲۳ مشهد از دانشکده هنرهای دراماتیک مدرکش را گرفته است. او از همان سال‌های اول فارغ‌التحصیلی شروع به ساختن فیلم‌های کوتاه کرد. در همان سال‌های اول انقلاب با تجربه ۱۳ساله خود شجاعت پیدا کرد تا بتواند فیلم «تحفه‌ها» را بسازد. او نویسنده و کارگردان فیلمی بود که بر پایه موضوعی اجتماعی شکل گرفته است؛ همان بحث همیشگی تازه‌به‌دوران‌رسیدگی که می‌تواند تاثیراتی در زندگی افراد و اطرافیانش داشته باشد. این فیلم با حضور جمعی از بازیگران شناخته‌شده آن سال‌ها توانست با استقبال روبه‌رو شود. این کارگردان دوست دارد مسائل اجتماعی زیربنای آثارش باشد. این کارگردان مسیر خود را ادامه می‌دهد و چهار سال بعد فیلم «مجسمه» را با حضور «امین تارخ» می‌سازد؛ فیلمی که سوژه‌اش می‌تواند نظر دیگران را جلب کند و بازی تارخ نیز در این فیلم کمدی مورد توجه قرار می‌گیرد. این فیلم روایتی است از زندگی موسیقیدانی در دوران پیری که استاد ممتاز دانشگاه شده و به عنوان موزیک‌شناس و آهنگساز، شهرتی جهانی یافته است. اما دست راستش (نمایشگر بخش خوب وجود اوست) دیگر به فرمان او نیست و می‌خواهد برای خودش مستقلاً عمل کند و این حادثه سرآغاز حوادث می‌شود. هر چند این سوژه می‌توانست دستمایه یک فیلم بزن و بکوب باشد و تنها خنده‌ای را بر لب تماشاگر بنشاند اما به فضای هنرمندان توجه ویژه‌ای کرده بود. نحوه پرداخت کارگردان به این مقوله توانست نظرها را به خود جلب کند. مسیر پیش روی «ابراهیم وحیدزاده» با فیلم‌هایی که می‌خواست، هموار به نظر می‌رسد اما باز هم فاصله‌ای ۱۰ساله در ساخت کارهایش پیش آمد. ولی این بار دو فیلم را با هم ساخته است؛ «معادله» و «عشق فیلم». در یکی مساله‌ای واقعاً کمدی را بیان کرده بود و در فیلم دیگرش «عشق فیلم» مسائل مبتلابه سینما از منظری قابل درک برای مردم را بیان کرده است. آقای «مقدم»، کارگردان سینما، روزی به یکی از بیمارستان‌های روانی مراجعه می‌کند و از مسوولان بیمارستان می‌خواهد بیماری شیزوفرنیک را بستری کنند. مسوولان می‌پرسند بیمار کیست؟ مقدم جواب می‌دهد خودم. در بیمارستان، «مقدم» به یاد می‌آورد که برای ساختن یک فیلم سینمایی نزد تهیه‌کننده‌ای می‌رود و تهیه‌کننده شرط تهیه فیلم را تبدیل فیلمنامه لطیف و عاشقانه او به فیلمنامه‌ای خشن و حادثه‌ای و البته پرفروش ذکر می‌کند. مقدم به ناچار می‌پذیرد. اما چند روز بعد با تغییر سیاست‌های دولت در مورد فیلم و سینما، «تهیه‌کننده» فیلمنامه جدید را به دلیل خشن و حادثه‌ای بودن شایسته تولید نمی‌داند. اما این روند توجه ابراهیم‌زاده به مسائل هنرمندان ادامه پیدا نکرد. او در فیلم «شام عروسی» بازیگرانی همچون «نیکی کریمی» و «امین حیایی» را مسن و درگیر یک اتفاق معمولی اما خنده‌دار کرد. نیکی کریمی در این فیلم بازی قابل قبولی از خود نشان داد اما تجربه‌های بعدی‌اش در کمدی سیر افولش در بازیگری بود. ابراهیم وحیدزاده یکی از کارگردانانی است که بارها اعلام کرده دوست دارد فیلم‌های طنز و کمدی بسازد. او گاه در این مسیر کاملاً موفق بوده و گاه در سراشیبی قرار گرفته است. او بر این باور است که «طنز او را انتخاب می‌کند». او در دو فیلم آخرش مسائلی را در نظر گرفته که خاص زنان است و قهرمانانش زنان هستند؛ زنانی که می‌خواهند مستقل باشند. اما فقط یک موضوع را ادامه نمی‌دهد. او در فیلم «تاکسی نارنجی» با بازی «آزیتا حاجیان» تنهایی و مصائب یک زن را همراه با فضای طنز به تصویر کشیده است. این فیلم نه در اکران موفق بود، نه در پردازش شخصیت‌ها و حالا باز هم فیلمی دیگر از این کارگردان روی پرده است؛ فیلم تکخال که نامش برای اکران به عروسک تغییر کرده است. این فیلم درباره زنی به نام فرشته است که برای یافتن کار به دفتری می‌رود که بی‌شباهت به سرزمین عجایب نیست. او در این دفتر سرنوشتی را تجربه می‌کند که برایش غریب است. ابراهیم وحیدزاده تجربیاتش را به طور طبیعی در نوشته‌ها و فیلم‌هایش به کار می‌گیرد.او با این آدم‌ها زندگی کرده و هنگام نوشتن فیلمنامه با استناد به تجربه‌ها و خاطرات گذشته این مسائل را در فیلم‌ها قرار داده است.

گفت‌وگو با ابراهیم وحیدزاده درباره فیلم‌های سخیف کمدی

در کمدی راحت‌تر می‌توان حرف زد

ابراهیم وحیدزاده را بی‌شک باید یکی از پیشگامان کمدی‌های شریف پس از انقلاب دانست؛ کارگردانی که در بیش از ۲۰ سال فعالیت در ژانر کمدی از استانداردهای کیفی و علایق شخصی خود کوتاه نیامده و همچنان به ساخت کمدی‌های شریف و متفاوت ادامه می‌دهد. این روزها «عروسک» جدیدترین ساخته این کارگردان کهنه‌کار بر پرده سینماهای تهران و برخی از شهرستان‌هاست. به همین مناسبت گفت‌وگویی را با او ترتیب داده‌ایم تا ضمن بررسی فیلم متاخرش به آسیب‌شناسی سینمای کمدی این سال‌ها بپردازیم.

عکس: امیر جدیدی، شرق

پویا نبی

- می‌خواستم در همین ابتدای بحث تحلیل‌تان را درباره پیدایش شبه‌کمدی‌های مبتذل در سینمای ایران بدانم. شما به عنوان کارگردانی که سال‌ها در حوزه کمدی فیلم ساخته‌اید و بعضاً آثار موفقی را به سینمای ایران ارائه کرده‌اید چه تحلیلی در مورد پیدایش چنین فیلم‌هایی دارید؟

فدریکو فلینی جمله معروفی دارد که می‌گوید: سینما عبارت است از روایت به اضافه سرگرمی. وقتی که این دو با هم باشند طبیعتاً ما یک فیلم قابل قبول و مورد توجه بیننده را که حرفی برای گفتن دارد، شاهد خواهیم بود ولی اگر ما فقط به سرگرمی بسنده کنیم و مقوله روایت را فراموش کنیم طبیعتاً نتیجه کار فیلمی خواهد شد که هیچ تلنگری به ذهن بیننده نمی‌زند و آدم‌های منورالفکر چیزی از آن نمی‌گیرند و فکر می‌کنند اثر درخور و شایسته‌ای نیست، البته عکس این مساله هم صادق است یعنی اگر ما فیلمی بسازیم که فقط به روایت توجه داشته باشد و مقوله سرگرمی را از آن حذف کنیم با کاری کسل‌کننده روبه‌رو خواهیم شد که فاقد تاثیرگذاری است و مخاطب را جذب نمی‌کند. البته پیدایش چنین آثاری را فقط از جانب سازندگان این‌گونه آثار نبینیم بلکه کمی هم باید به وضع ممیزی‌های حاکم بر هر دوران بنگریم. وقتی نمی‌شود داخل خیلی از حوزه‌ها شد طبیعتاً عوامل سازنده یک فیلم وارد مسیری می‌شوند که هیچ حرفی نداشته باشند و زمانی که اثری فاقد این حرف است آن بخش مورد اشاره من در روایت نادیده گرفته می‌شود و فقط سرگرمی باقی می‌ماند.

- ولی در بدترین شرایط هم ما شاهد ساخت آثار آبرومند بوده‌ایم. فکر می‌کنید چه چیزی علت اصلی بقای کمدی‌های مبتذل در بیش از ۵۰ سال گذشته است؟

از نظر من ساخت یک فیلم منوط به دو شرط اصلی است؛ عرضه و تقاضا. در واقع اگر برای یک گونه سینمایی خاص مشتری وجود داشته باشد طبیعتاً سینماگران هم به سمت ساخت آن گونه از فیلم‌ها سوق پیدا می‌کنند. در کنار این مساله شما می‌توانید مساله سختکوشی، دقت و زمان گذاشتن برای ساخت یک فیلم کمدی را هم در نظر بگیرید. به هر حال عده‌ای مایل هستند از سهل‌ترین راه پول و سرمایه به دست بیاورند و پروای نام و ننگ هم ندارند. شاید این مسیری باشد که ما چندان با آن موافق نباشیم ولی این افراد فکر می‌کنند از این راه می‌توان سریع به سرمایه و پول رسید پس در این راه قدم برمی‌دارند و به کار خود به عنوان یک حرفه می‌نگرند، نه به عنوان یک فعالیت هنری و به دنبال افق‌های تازه مثل حضور در جشنواره‌های معتبر خارجی یا اکران خارج از کشور هم نیستند و به همین فضای کوچک و زندگی روزمره خود عادت کرده‌اند.

- فکر می‌کنید تلویزیون چقدر در سطح سلیقه مردم موثر بوده است؟

خیلی زیاد. ما به واسطه رسانه‌ای چون تلویزیون می‌توانیم دانش، سلیقه و ذوق بیننده خود را ارتقا دهیم یا می‌توانیم پایین بیاوریم. از آنجایی که تلویزیون در همه خانه‌ها موجود است و در ساعات متوالی روز این رسانه باز است و دیده می‌شود، طبیعی است که اثرگذاری زیادی نسبت به سینما دارد ولی به دلیل تسریع در تولید برنامه‌ها طبیعتاً تلویزیون توانایی تولید کار فوق‌العاده‌ای را ندارد و همین عامل باعث می‌شود کارهایی تولید شوند که از سطح استاندارد پایین‌تر هستند و ذوق و سلیقه مخاطب به واسطه تماشای چنین آثاری پایین می‌آید و این‌گونه است که مخاطب در بیرون از منزل هم به تماشای آثاری می‌نشیند که آنها را دیده و به آنها عادت کرده است.

- یعنی دخالت دولت می‌تواند امکان ساخت کمدی‌های آبرومند را به وجود آورد؟

اینکه دولت بیاید و در تولید آثار فاخر دستی داشته باشد مساله‌ای است که در همه جای دنیا به صورت جدی دنبال می‌شود. تمام کشورهایی که دوستدار فرهنگ‌شان هستند تلاش‌هایی در جهت ساخت آثار فاخر از خود نشان می‌دهند و با نمایش این‌گونه آثار کمک می‌کنند به اینکه بینش تماشاگران خود را بالا ببرند. فیلم یک کالای فرهنگی است. وقتی ما برای وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم هزینه می‌کنیم و سعی می‌کنیم انسان‌هایی را که در این مملکت به دنیا آمده‌اند از علم و دانش بهره‌مند کنیم باید به هنر هم بپردازیم و با آن مانند یک ابزار کمک‌آموزشی رفتار کنیم، البته گهگداری تلاش‌هایی صورت می‌گیرد اما چون خیلی سطحی است و منسجم نیست زود فراموش می‌شود ولی اگر بودجه جدی برای این کار در نظر گرفته شود ما در آینده می‌توانیم شاهد آثار فاخرتر از این چیزهایی که الان داریم باشیم.

- آیا این دخالت می‌تواند در پیدایش سینمای کمدی مطلوب تاثیر داشته باشد؟

من در کل موافق اصطلاح سینمایی خوب هستم؛ سینمایی که یکی از شاخه‌های آن کمدی است ولی واقعاً اگر چنین قصد و نیت خیرخواهانه‌ای از جانب دولت می‌خواهد اعمال شود باید به تلویزیون هم توجه شود و در آنجا هم تلاش کنیم آدم‌های آگاه و کاربلد حضور داشته باشند. متاسفانه محصولاتی که تحت عنوان تله‌فیلم در تلویزیون ساخته می‌شود از نظر من کار بسیار عبثی است و هیچ دردی را دوا نمی‌کند.

- مخصوصاً این تله فیلم‌های شانه تخمه‌مرغی!

آنها که وحشتناک است چون هیچ نوع کنترلی روی کیفیت این نوع آثار نیست و فقط به عنوان کالای مصرفی وارد بازار می‌شوند. در گذشته وقتی می‌دیدم فیلمی در سوپرمارکت عرضه می‌شود احساس شرم می‌کردم اما من فکر می‌کنم بهترین جا برای عرضه این نوع فیلم‌ها فقط سوپرمارکت‌هاست.

- وقتی در اقصی‌نقاط عالم فهرست ده‌تایی فیلم‌های برتر تاریخ سینما منتشر می‌شود در کمال ناباوری حتی نام یک فیلم کمدی هم دیده نمی‌شود، با اینکه سینمای کمدی بزرگان زیادی دارد اما همیشه نام و آثار این افراد در جشن‌ها و مراسم‌های سینمایی نادیده گرفته می‌شود، علت این رویکرد را چه می‌دانید؟

این مساله همیشه برای خود من هم جای سوال داشته که چرا طنز و کمدی هیچ‌گاه جدی گرفته نمی‌شوند. این موضوع فقط مختص سینما نیست بلکه در ادبیات نیز وجود دارد. انسان باهوش و نابغه‌ای مثل عبید زاکانی که سروده‌های گران‌قیمتی دارد همواره کارش در مقابل شعرایی چون نظامی، فردوسی و سعدی دیده نشده؛ در سینما هم به همین شکل است، در واقع کسی کمدی را جدی نمی‌گیرد. شاید این شادی و نشاطی که در آثار کمدی وجود دارد و به تماشاچی منتقل می‌شود باعث می‌شود مخاطبان جدی سینما این فکر را بکنند که ما کار جدی انجام نمی‌دهیم، شاید از نظر این افراد فیلم جدی به فیلمی گفته می‌شود که انسان خیلی جدی پای تماشایش بنشیند و با خشم به حوادث و مسائل پیش‌آمده در فیلم نگاه کند! و از فیلم انتظارات دیگری به جز خندیدن دارد چون اصولاً خندیدن جزء کارهای پیش پاافتاده و سطحی قلمداد می‌شود در حالی که به هیچ وجه این‌گونه نیست. از نظر من یک اثر طنز همان‌قدر توانایی تحول در مخاطب دارد که یک اثر تراژدی دارد، ولی اینکه چرا با کمدی این گونه رفتار می‌شود را من نمی‌توانم پاسخ بدهم چون متاسفانه این یک دیدگاه جهانشمول است.

- چه چیزی ابراهیم وحیدزاده را مجاب می‌کند فیلم کمدی بسازد؟

دلایل مختلفی دارد؛ یکی از دلایل همین جدی نگرفته شدن کمدی است، چون اساساً کسی کمدی را جدی نمی‌گیرد من راحت‌تر می‌توانم حرف دلم را بازگو کنم و دل‌نگران تبعات آن هم نباشم. دلیل دوم هم مقوله شخصیت‌شناسی خود من است. می‌گویند هنر آدمی مکمل شخصیت آدمی است یعنی آن چیزی را که انسان در واقعیت ندارد در کار هنری جست‌وجو می‌کند. من در زندگی واقعی انسان خوش‌مشرب و مجلس‌آرایی نیستم و بیشتر به واسطه این است که به طنز و کمدی روی می‌آورم تا آن بخشی که نیستم را برای خودم جبران کنم. (می‌خندد) اما جدا از شوخی فکر می‌کنم به دلیل سال‌ها حضور در عرصه فیلم کمدی این توانایی و مهارت را به دست آورده‌ام که این ژانر را نسبت به گونه‌های دیگر بهتر بسازم.

- هیچ وقت وسوسه ساخت فیلم غیرکمدی به سراغ شما آمده است؟

گاهی اوقات وسوسه ساخت یک فیلم غیرکمدی به سراغم می‌آید ولی بعد می‌بینم که آن رضایت خاطر را پیدا نمی‌کنم و بدون اینکه قدمی در جهت ساختش بردارم از تصمیمم منصرف می‌شوم.

- در سینمای کمدی آثار چه فیلمسازانی را دنبال می‌کنید؟

من بیشتر فیلمسازانی را دوست دارم که رگه‌هایی از طنز در آثارشان هست مثل وودی آلن، چاپلین، وایلدر و فلینی.

- یک علاقه غریب به گونه کمدی فانتزی در آثار اخیر شما دیده می‌شود، به کمدی‌های موسوم به بزن و بکوب و فانتزی علاقه‌مند هستید؟

تمام آثار من از زمان فیلم تحفه‌ها تا همین عروسک آثار پرپرسوناژ و شلوغی بوده‌اند و هیچ گاه من کمدی خلوتی نساخته‌ام. علت این نکته هم این است که وقتی جمعیت زیادی در صحنه هستند امکان تنوع و ضرباهنگ تند را بیشتر به من می‌دهند چون هر یک از این کاراکترها سخنی برای گفتن دارند و باعث می‌شوند قصه ضرباهنگ درستی پیدا کند. بخش دیگر این ماجرا شاید به خاطر این باشد که من خیلی به بیان دیالوگ علاقه ندارم، چون سینما به هر حال یک اثر تصویری است و من سعی می‌کنم آثارم با بیان تصویری جلو برود.

- پس بیشتر به دنبال کمدی موقعیت هستید؟

دقیقاً، در کمدی موقعیت این حوادث هستند که ایجاد خنده می‌کنند، ضمن اینکه در کمدی موقعیت این امکان برای سازنده وجود دارد که شخصیت‌ها در حد کاریکاتور پیش بروند و آن وجهی را که قرار است مورد طنز قرار بگیرد بیشتر و پررنگ‌تر ببینیم.

- البته در برخی از آثار شما ما ردپای شخصیت‌پردازی را هم می‌بینیم، مثل شخصیت بهاره رهنما و الهه حصاری در فیلم عروسک که خیلی منطقی هستند.

از نظر من شخصیت نمایشی باید گوشت، پوست و استخوان داشته باشد و فقط بدی و خوبی‌های او را نبینیم بلکه ضمن اینکه نکات منفی دارند نکات مثبتی هم برای آنها در نظر بگیریم.

- چگونه شد که تصمیم به ساخت فیلمنامه‌ای از سیروس تسلیمی گرفتید؟

سیروس تسلیمی را از زمان دانشجویی می‌شناسم. در آن زمان فیلم کوتاهی ساختم به نام «کدام قله؟ کدام موج؟» که او در آن فیلم نقش اول را بازی می‌کرد. این دوستی از همان جا آغاز شد و طی سالیان متوالی ادامه پیدا کرد تا اینکه بعد از ساخت فیلم «شام عروسی» باخبر شدم که ایشان فیلمنامه‌ای در دست دارند، پس مراجعه کردم تا فیلمنامه را بخوانم. پس از مطالعه فیلمنامه به این نتیجه رسیدم که فیلمنامه خوبی است و قابلیت تبدیل شدن به یک فیلم خوب را دارد.

- چه چیزی در فیلمنامه سیروس تسلیمی وجود داشت که شما را راغب به ساخت آن کرد؟

راستش فیلمنامه سیروس تسلیمی تلنگری به ذهن من زد، یک جور احساس نیاز به بیان حرف درون فیلمنامه را در خودم حس کردم.

- من جواب سوالم را نگرفتم، آن تلنگر چه بود؟

اگر شما تمام کارهای من را مورد بررسی قرار دهید متوجه می‌شوید که تمام کارهای من در گونه طنز اجتماعی قرار می‌گیرد. من دوست دارم فیلم‌هایم حرفی برای جامعه داشته باشد و راه‌حلی را برای بیننده ارائه دهد که به واسطه آن راه‌حل زندگی‌اش بهتر شود یا حداقل تلنگری به ذهن او بزند و زشتی موقعیت را برای او نمایان کند. قصه عروسک هم بر اساس همین ایدئولوژی شکل گرفت. ماجرای یافتن کار و مشکل بیکاری که گریبانگیر جامعه ما شده، دغدغه من در ساخت فیلم عروسک بود و سعی داشتم راه‌حلی برای این مشکل پیدا کنم. از نظر من یک فرق اساسی بین کار سیاسی با کار هنری است؛ سیاستمدار تلاش می‌کند از سر خشم معضلی را بکوبد تا آن معضل عیان شود و مردم به این ترتیب از وجود مشکل آگاه شوند اما دید هنرمند دید مشفقانه‌ای است یعنی مایل است مشکلی را مطرح کند اما به دنبال خراب کردن چیزی نیست.

- چقدر موافق این نکته هستید که فیلم عروسک یک درام زنانه است؟

من زیاد با این تلقی موافق نیستم، چون وقتی صحبت از فیلم زنانه یا مردانه می‌شود، بلافاصله نشانه‌های یک موضع‌گیری به ذهن می‌رسد که مثلاً فیلمساز به سمت یک سوژه فمینیستی رفته. راستش برای من در فیلم عروسک مقوله انسان بیشتر اولویت داشته، حالا این انسان می‌تواند زن باشد یا مرد.

- این را از این بابت پرسیدم چون شخصیت زن ماجرا زیر ذره‌بین است؛ از همان سکانس اول که مشکلات کاریابی او را می‌بینیم تا مسائلش در خانه و خانواده.

الان که این را می‌گویید من هم به این نتیجه می‌رسم که فیلم بیشتر یک کار زنانه است. شما وقتی کار هنری را انجام می‌دهید به همه نکات اشراف ندارید. بسیاری از اعمال و رفتار ما در خلق یک اثر هنری ناآگاهانه صورت می‌گیرد و با بازخوردی که از تماشاچی می‌گیریم کم‌کم متوجه نکاتی می‌شویم که هنگام ساخت آگاهانه به آن نپرداختیم.

- فیلمنامه سیروس تسلیمی هنگام ساخت چه تغییراتی کرد؟

بخش عمده‌ای از شوخی‌های کلامی حذف شد و تصویر جایگزین آن شد. در نسخه اولیه ما با شوخی‌های کلامی بسیاری روبه‌رو بودیم که در نسخه فعلی وجود ندارد و شوخی‌های تصویری جایگزین آن شده است.

- نکته مشترک در آثار اخیر شما استفاده از بازیگرانی است که سابقه چندانی در عرصه طنز ندارند؛ از حسین یاری و مریلا زارعی فیلم معادله گرفته تا لیلا اوتادی فیلم عروسک. علت این رویکرد در انتخاب بازیگران چیست؟

من هم مثل همه کارگردانان دیگر وقتی فیلمنامه‌ای در دست دارم، می‌آیم و قبل از پیش‌تولید شناسنامه‌ای برای این شخصیت‌ها تعریف می‌کنم که مثلاً این آدم باید قد، سن و شعورش چقدر باشد و اینکه از کدام طبقه اجتماعی برخاسته باشد و مهم‌تر از همه چه میزان توانایی بازیگری لازم دارد. بعد از پیدا کردن این مشخصات به دنبال بازیگر مناسب این شخصیت‌ها می‌گردم و چون انتظار ندارم با حرکات و اداهای لوس، بازیگرانم مخاطب را بخندانند پس به دنبال بازیگری می‌گردم که نقش به او بنشیند. اگر بازیگری به تصورات ذهنی من درباره شخصیت نزدیک باشد زیاد کاری به این مساله ندارم که گذشته این بازیگر چه بوده و آیا نقش طنز بازی کرده یا خیر.

- هم در فیلم شام عروسی و هم فیلم عروسک ما شوخی با برخی از آثار مطرح تاریخ سینمای ایران و جهان را می‌بینیم. در شام عروسی ما شوخی‌های بصری با سکانس‌ها را می‌بینیم و در عروسک شوخی با موسیقی این آثار.

اصطلاحی در ادبیات و فیلمسازی است که به آن می‌گویند پارودی. در این شیوه کارگردان سکانس یا موسیقی یک کار جدی را می‌گیرد و با دستکاری در آن ایجاد خنده می‌کند. این شیوه جزء علایق من هم شمرده می‌شود. من در آثارم به فیلم‌های جدی که دوست داشتم به این شیوه ادای دین می‌کنم. مثلاً شما یک تصور غریب از فیلم z دارید و از نظر شما این فیلم یک کار سیاسی و جدی است که دنیا را به تفکر واداشت. من موسیقی همین فیلم را در صحنه‌ای آورده‌ام که به پدر اعلام می‌کنند برای دخترش خواستگار آمده. کسی که فیلم z را دیده باشد و موسیقی آن را به یاد داشته باشد وقتی با چنین سکانسی روبه‌رو می‌شود، ناخودآگاه به خنده می‌افتد.

در حاشیه فیلم عروسک

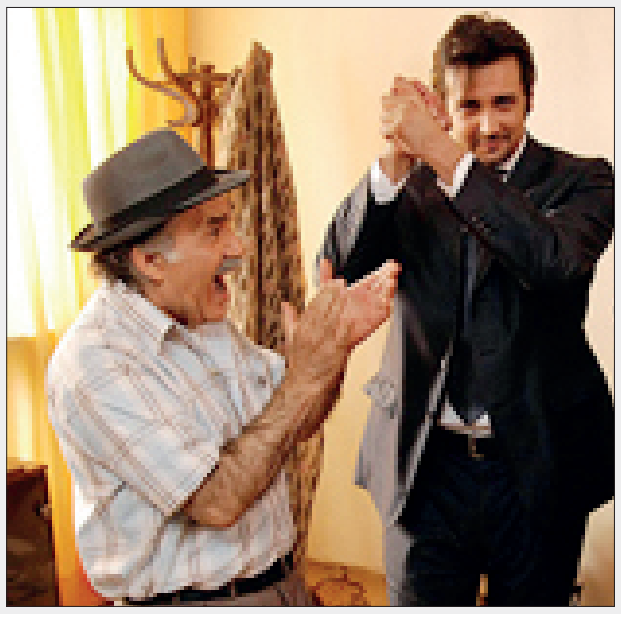

- فیلم سینمایی عروسک هفتمین ساخته ابراهیم‌زاده براساس طرحی از سیروس تسلیمی و با بازی حسام نواب‌صفوی، علیرضا خمسه، لیلا اوتادی،ثریا قاسمی و بهاره رهنما آبان‌ماه ۸۸ مقابل دوربین داریوش عیاری رفت.
- بهاره رهنما با وجود اینکه در فیلم‌های کمدی این روزها زیاد بازی می‌کند، از این انتخابش باز هم راضی است.
- در روزهایی که اکثر کارگردانان و تهیه‌کنندگان از سازندگان ملک سلیمان گرفته تا کارگردان فیلم‌های بدون سرگروه، از شرایط اکران ناراضی هستند. وحیدزاده از شرایط اکران راضی است.
- آیدن ظریف طراح لباس این فیلم در این چند روز در بیمارستان بستری شده بود.
- در حالی که بازیگران فیلم‌های قبلی این کارگردان افراد شناخته شده‌ای همچون نیکی کریمی و امین حیایی بودند این فیلم با حضور حسام نواب‌صفوی شکل گرفته است. او گفته است: «این نقشی که بازی کردم با خود من بسیار فرق دارد و فقط آن را ایفا کردم.»
- ساختن فیلم «عروسک» به قول سازندگانش همراه هیچ استرسی نبوده است.